

# تدریس خدا شناسی در خطابه غدیر

قسمت سی و یکم

دکتر وحید باقرپور کاشانی

Dr.Vahid Bagherpour Kashani



# تدریس خداشناسی در خطابه غدیر

## قسمت سی و یکم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در خطابه غدیر، نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در معرفی ذات ربوبیت فرمودند:

«يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَ يُرِيدُ فَيَقْضِي»

«يَشَاءُ» یعنی می خواهد، «فَيَمْضِي» به انجام می رساند، چیزی مانع او نیست، هر آن چیزی که اراده کند و بخواهد، تحقق پیدا می کند.

«يُرِيدُ فَيَقْضِي» اراده می کند، پس مقدر می نماید، به انجام می رساند، در مورد مخلوقات اینگونه نیست که هر آن چیزی که اراده او را داشتند، همت بر انجام آن داشتند، بخواهد تحقق پیدا کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که خدا را شناختم به «بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ، وَ نَقْضِ الْهَمَمِ»

عزیمت کاری کردم، مانع درست شد، همّت بر کاری داشتم، نقض شد، یعنی اشاره بر اینکه من به خود نیستم، موجود دیگری در کار است.

آن کسی که اراده‌ای که من بخواهم بکنم، باید تقابلی در خصوص آن اراده نداشته باشد، آن چیزی که من مقرر و مقدر بخواهم بکنم و انجامش بخواهم بدهم، باید مانعی نداشته باشد.

«وَ يَعْلَمُ فَيُحْصِي»؛

می‌داند، پس به شماره می‌آورد.

آن چیزی که خلق می‌کند، این کثراتی که قابل احصاء نیستند را می‌داند، می‌داند چه خلق می‌کند، خداوند علمِ بلامعلوم دارد، یعنی قبل از اینکه موجودات را خلق بکند، می‌داند که چه خلق خواهد کرد، و می‌داند که این موجودات مختار، با اراده و اختیار خودشان چه می‌کنند؛ می‌داند چه اراده می‌کنند، می‌داند با اراده خود بهشتی می‌شوند یا جهنمی، اما این دانستن علت نیست، کاشفیت را دارد. آن چیزی که علت هست، آن انتخابی هست که فرد می‌کند. قوه از ناحیه اوست، اما اینکه راه خوب یا راه بد را یک نفر انتخاب کند، به خود فرد بستگی دارد، و همان عامل بهشتی و کمال او، و جهنمی و نزول او خواهد شد.

او علم بلامعلوم دارد؛ قبل از اینکه موجودات را خلق بکند، نسبت به آنها علم دارد.

«وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي»؛ می‌میراند، مرگ از ناحیهٔ اوست، مرگ به‌دست اوست، حتی اگر یک نفر بخواهد خودش را بکشد، خدا نخواهد نمی‌تواند.

یک نفر خودش را می‌کشد، خب مانعی نیست، یعنی خداوند رضایت دارد؟! رضایت ندارد! بنا به دخالت هم ندارد، بنا به تداخل هم ندارد، چون موجود مختار باید مسیر خودش را انتخاب کند؛ اما همان مرگی که قبض روح می‌شود روح از بدن، اگر چنانچه او نخواهد، باز هم تحقق پیدا نمی‌کند.

«وَ يُحْيِي»؛ او زنده می‌کند. تمام مخلوقات دست به دست هم بدهند، بخواهند پشه‌ای را خلق بکنند، موجود زنده‌ای را ایجاد کنند، نمی‌توانند.

آن چیزهایی هم که به عنوان شبیه‌سازی و این‌ها مطرح می‌شود، تمام آن‌ها باز هم با توجه به خلق من شیء است، با توجه به این موجود زنده‌ای که هست، در سیکل خودش، در سیکلی که شبیه سیکل طبیعی‌ست، ارائه می‌دهند، پس آن زنده کردن به معنای حقیقی نیست؛ باز مدد باید از ناحیه او برسد. «يُمِيتُ وَ يُحْيِي» کار اوست.

«وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي»؛ او فقیر می‌کند، و او غنی می‌کند، منتها این فقیر و غنی

کردنش، به مصلحت و عملکرد عبد بسیار بستگی دارد.

چرا [خداوند] یک نفر را فقیر می‌کند؟ گاهی اوقات می‌بیند [در این فرد]

جنبه‌ای نیست، اگر او را غنی بکند، فاصله می‌گیرد از یاد خدا.

چرا یک نفر را غنی می‌کند؟ روی همین جهت هست! فقیر می‌کند، غنی

می‌کند، به فقر و غنی افراد را امتحان می‌کند، آزمون می‌کند.

فقیر و غنی را کنار هم قرار داده، هر کدام را با آن یکی آزمایش می‌کند،

و اگر یک نفر، غنی و اموال و جهاتی را بخواد به دست بیاورد، باید او

کمک کند.

این فقط در مسائل مالی نیست که، غنی در جهت علمی، غنی در جهت

قدرت بدنی، غنی در جهت قدرت فکری، مِنْ جَمِيعِ الْجِهَاتِ.

«وَ يُضْحِكُ وَيَبْكِي» او می‌خنداند، و او می‌گریاند؛ این کنایه از این است

که اون عاملی که من به واسطه آن می‌خندم، آن قوه‌ای که من به واسطه

آن می‌خندم، و این عارض بر لبان من می‌شود، بر دهان من می‌شود، آن

قوه از ناحیه اوست، اگر آن قوه را بگیرد نه ما می‌خندیم و نه ما گریه

می‌کنیم.

آن حیاتی که خنده و گریه متوقف به او هستند، از ناحیه اوست، آن به آن باید آن حیات را بدهد. پس قوای خندیدن، قوای گریه کردن، همه از ناحیه اوست، حتی گاهی اوقات، از یک نگاه دیگه‌ای، گریه‌ای که به حق باشد، باید یک توفیق ویژه‌ای غیر از آن قوه‌ای که وجود داده می‌شود، حالا چه بر گریه حق چه باطل، چه خنده حق چه باطل. یک تفضل ویژه‌ای باید بشود، گریه‌ای که فرد از خشیتی که فرد نسبت به خداوند دارد می‌کند، گریه‌ای که یک نفر بر عزای حضرات معصومین علیهم‌السلام در فراق امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف می‌کند، این توفیقش از ناحیه اوست. گاهی اوقات سوء عملکرد ما، باعث می‌شود که قساوت قلب بگیریم، و نمی‌توانیم که از باب خشیت بر خداوند گریه کنیم، بر ائمه معصومین علیهم‌السلام در عزای آن‌ها گریه کنیم، پس آن به عملکرد و تفضل پروردگار است، و عملکرد او در ارتباط با عملکرد ماست، که ما چه کار کرده باشیم که توفیق گریه بر خداوند متعال، خشیت بر خداوند متعال، ترس از خداوند و بر ائمه معصومین علیهم‌السلام را به ما افاضه کند.

«وَأَيُّدُنِي وَ يَقْصِي»

او نزدیک می‌کند، او دور می‌کند، اگر ما بخواهیم به خدا نزدیک بشویم، خودش باید بخواهد، اگر دور از خدا بخواهیم بشویم، او خودش سلب توفیق می‌کند، البته عملکرد ما هم مهم هست، ما کاری را انجام می‌دهیم که مُعَدَّ است که نزدیک به خدا بشویم، مُعَدَّ است که بُعد و دوری از خدا پیدا کنیم، بخواهیم در دل اولیای خدا برویم، خداوند متعال باید بخواهد، او ما را به امام زمان علیه‌السلام نزدیک می‌کند، او دور می‌کند ما را از امام زمان علیه‌السلام، حالا او دور می‌کند ما را از امام زمان علیه‌السلام، کار نادرست ما باعث می‌شود سلب توفیق بشود و ما دور می‌شویم. اما او سلب توفیق می‌کند اما مُعَدَّش ما هستیم، علتش ما هستیم که این سلب توفیق شده.

«وَأَيُّدُنِي وَ يَقْصِي» او منع می‌کند، یک نعمتی را منع می‌کند، بنا به مصالح خودش، بنا به عملکرد نادرستی که ما داشتیم. «وَأَيُّدُنِي وَ يَقْصِي»؛ او اعطاء می‌کند، به هر جهتی مصلحت می‌داند و اعطاء می‌کند، عملکرد ما باعث می‌شود که او اعطاء کند خوبی‌ها را.

«لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ»؛ برای اوست پادشاهی، «وَلَهُ الْحَمْدُ» مخصوص  
اوست حمد و سپاس.

«بِيَدِهِ الْخَيْرُ»؛ به دست اوست هر خیری؛ هر آن چیزی که از خیرات  
بخواهد برسد حتی به مجرا و مجلای غیر خدا بخواهد برسد، باز به  
اوست، او وسیله درست می‌کند.

«وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ قدرت او تصرف در تمام کائنات دارد؛  
او بر انجام هرکاری قادر است.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.